

بررسی رموز پنج ضلعی در هنر گره‌چینی ایرانی - اسلامی

فاطمه شه‌کلاهی

کارشناس ارشد، پژوهش هنر، فارس، شیراز

نویسنده مسئول:

فاطمه شه‌کلاهی

چکیده

گره‌چینی یکی از هنرهای اسلامی است که هدف هنرمند بیان مفاهیم در قالب رموز نهفته در اشکال هندسی است. موضوع این مقاله بررسی رموز پنج ضلعی در هنر گره‌چینی است و هدف از آن شناخت هندسه کتی و کیفی پنج ضلعی در این هنر است. سؤالات تحقیق عبارتند از: ۱. رموز هندسه کتی پنج ضلعی در گره‌چینی چیست؟ ۲. رموز هندسه کیفی پنج ضلعی در گره‌چینی چگونه قابل تبیین است؟ این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای (اسنادی) و میدانی است.

نتایج نشان می‌دهد که تناسب‌های طلایی که در پدیدار شدن منظم عالمیان وجود دارد در قالب هندسه کتی در پنج ضلعی ظهور کرده است. بهره‌گیری از هندسه کیفی برای بیان رمزی مفاهیم در ارتباط با «انسان کامل» یا «انسانیت کامل» یک فرد بشری نمایانده شده است.

کلمات کلیدی: هنر اسلامی، نقوش هندسی، پنج ضلعی، گره‌چینی.

مقدمه

گره‌چینی ایرانی-اسلامی از جمله هنرهای سنتی اسلامی است که براساس نقوش هندسی و قواعد مشخص رسم و ساخته می‌شود. این هنر به‌طور گسترده با استفاده از چوب در ساخت منبرها، پنجره‌ها و درب‌های مساجد به‌کار می‌رود. هدف هنرمندان مسلمان در این هنر صرفاً تزئین سطوح نبوده است، بلکه هدف اصلی بیان مفاهیم در قالب رموز خاص نهفته در دل اشکال هندسی است. در نظر صاحبان این حرفه، یکی از راه‌های رسیدن به مقام متعالی، ساخت و ترکیب پیاپی این نقوش بایکدیگر است. در میان این نقوش، پنج ضلعی منتظم به‌دلیل استفاده مکرر در ساخت و گسترش دیگر نقوش هندسی به «گره مادر» یا «أم‌الگره» معروف شده است.

این موضوع در این مقاله با توجه به هندسه کتی و کیفی و رموز نهفته در آن در هنر گره‌چینی ایرانی-اسلامی مطرح شده و مدنظر قرار گرفته است. جنبه‌های هندسه کتی گره‌ها در رعایت اندازه‌های اشکال و نقوش و قوانین تناسب اجزاء است و جنبه‌های کیفی آن در حضور وحدت میان آن‌ها و ارائه مفاهیم رمزی و سمبلیک است. درک این زیبایی‌ها و رموز نهفته در هنر ایرانی-اسلامی در گرو ادراک حقیقت باطنی آن‌ها در عالم معنوی است که در نهایت منجر به تزکیه روحی هنرمندان مسلمان می‌شود. براین اساس موضوع این مقاله بررسی رموز پنج ضلعی در هنر گره‌چینی ایرانی-اسلامی است و هدف از آن شناخت هندسه کتی و کیفی پنج ضلعی منتظم در هنر ایرانی-اسلامی است. در این مقاله سعی شده است تا به این سؤالات پاسخ داده شود: ۱. رموز هندسه کتی پنج ضلعی در گره‌چینی ایرانی-اسلامی چیست؟ ۲. رموز هندسه کتی پنج ضلعی در گره‌چینی ایرانی-اسلامی چگونه قابل تبیین است؟ این پژوهش به‌لحاظ هدف در زمره پژوهش‌های بنیادین قرار دارد که درصدد دانش‌افزایی در حوزه هنرهای اسلامی و به‌طور خاص هنر گره‌چینی است و براساس ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای (اسنادی) و میدانی است.

به‌طور کلی پژوهش‌های صورت گرفته در هنر گره‌چینی ایرانی-اسلامی به‌نسبت دیگر هنرهای اسلامی بسیار اندک و محدود است. این پژوهش‌ها در سه دسته قابل بررسی است. نخست پژوهش‌هایی که به ابعاد آموزشی و تعلیمی این هنر سنتی می‌پردازند. در این زمینه می‌توان به کتاب *گره‌چینی در معماری اسلامی و هنرهای دستی* تألیف حسین زمرشیدی [۱] و کتاب *احیای هنرهای از یاد رفته* نوشته مهناز رئیس‌زاده و حسین مفید [۲] اشاره کرد. دسته دوم، مطالعاتی است که در لوای مباحث معماری و تزئینات وابسته به آن، به‌طور پراکنده به هنر گره‌چینی ایرانی-اسلامی نیز اشاره کرده‌اند. این تحقیقات اغلب از دیدگاه هنرهای تجسمی یا معماری به هنر گره‌چینی توجه کرده‌اند. مقاله «تطبیق نقوش تزئینی معماری دوره تیموری در آثار کمال‌الدین بهزاد با تأکید بر نگاره گدایی بر در مسجد» [۳] و مقاله «معرفی نورگیرهای گره‌چینی در معماری سنتی ایران» [۴] در این زمینه شایان توجه است. دسته سوم منابعی است که بیشتر به مباحث معرفت‌شناسی این هنر توجه کرده‌اند. ماهیت این دست از مطالعات به موضوع این مقاله نزدیک‌تر می‌نماید، ولی پژوهش‌های اخیر به‌طور خاص به هندسه کتی و کیفی پنج ضلعی در هنر گره‌چینی نپرداخته‌اند. مقاله «مفاهیم و بیان عددی در هنر گره‌چینی صفوی» [۵]، به بررسی هندسه در تعدادی از اشکال هندسی پرداخته است. نتایج این مقاله در زمینه عدد پنج نشان می‌دهد که استفاده از گره‌های پنج اغلب در مدارس و حوزه‌ها بوده است. زیرا، در مرحله پنجم سلوک، شخص به‌بهرترین خلق و خو فراخوانده می‌شود که این یکی از اهداف مدارس قدیم نیز بوده است.

هندسه در اسلام

آنچه به‌عنوان هندسه در اسلام مطرح است، تجلی‌گاه دیدگاه فلسفی یونانی در باب هندسه و اعداد است. اندیشه فلاسفه‌ای چون فیثاغورث و افلاطون از جمله مهم‌ترین مباحثی است که بر تفسیر و تحلیل نقوش و هندسه آن‌ها در اسلام اثرگذار بوده است. این امر به‌واسطه داد و ستدهای فرهنگی بین‌منطقه‌ای و نهضت ترجمه در جهان اسلام از اواخر قرن دوم هجری قمری/هشتم میلادی-از عهد ابوجعفر منصور عباسی-است که به‌تدریج ترجمه و نقل آثار ملل مختلف به‌ویژه یونانیان به عربی آغاز شد [۶].

فیثاغورثیان نخستین کسانی بودند که به هندسه توجه کردند. از نظر آن‌ها اصول هندسه ازلی و لا‌یتغیر است و دلیل توجه آدمی به هندسه و عدد رهیافت بشر به اسرار طبیعت و هستی از طریق این علم است. در این راه بشر از مرتبه سفلی به حداعلی رسیده و به خدایان نزدیک‌تر می‌شود. «هندسه روح را به‌سوی حقیقت سوق می‌دهد و با ایجاد شعوری فلسفی، استعدادهایی را که به اشتباه در زمین به‌کار می‌بندیم، متوجه بالا می‌سازد» [۷]. هندسه به‌مفهوم فیثاغورثی از طریق شکل‌هایی در عالم محسوس شناسایی و درک می‌شود [۸]. آنان برای اشکال هندسی، فضائل و صفات ممتازی قائل بودند و هدف غائی هندسه را آماده کردن ذهن برای تعقل و ادراک حقایق هستی و آفرینش، بدون توجه و احتیاج به عالم محسوسات می‌دانستند. از این‌رو دو جنبه از اعداد و هندسه ظاهر

می‌شود، یکی جنبه کمی و دیگری جنبه کیفی. جنبه کمیّت عدد و هندسه، ایجاد کثرت می‌کند و جنبه کیفیت آن، همین کثرت را به وحدت باز می‌گرداند [۹].

افلاطون نیز همانند فیثاغورث هدف هندسه را دستیابی به معرفت باطنی و جهان‌شناسی می‌داند. او در کتاب جمهور در باب هندسه چنین می‌نویسد: «هندسه شناسایی آن هستی است که هرگز دگرگون نمی‌شود، نه شناسایی هستی‌هایی که تابع زمان‌اند و گاه پدید می‌آیند و گاه از بین می‌روند. هندسه نفس را به سمت حقیقت سوق می‌دهد و در انسان روح حکیمانه را می‌پروراند» [۱۰]. در صدر اسلام چنین ترکیبی از هندسه و الهیات که در سنت یونان قدیم وجود داشت و منافاتی با احکام و جهان‌بینی اسلامی نداشت، مورد توجه حکما و فلاسفه اسلامی قرار گرفت. الکندی در قرن دوم و سوم هجری قمری/هشتم و نهم میلادی، اولین فیلسوف مسلمان بود که مهم‌ترین نظرات فلاسفه یونان در باب هندسه را وارد فلسفه اسلامی کرد. پس از او ابن‌سینا و اخوان‌الصفاء راه او را ادامه دادند.

در نظر ابن‌سینا، هندسه علاوه بر آن‌که بخشی از ریاضیات است و به مطالعه کمیّت‌های آن می‌پردازد، معنایی رمزی دارد و به موضوعات ماوراءالطبیعی و مفاهیم دیگر نیز اشاره دارد. در نظر او «اولین عنصر این جهان در اصل نقطه بود که تحت فعل طبیعت درآمد و به خط و سطح و بالاخره به جسم مبدل شد. جسم به‌نوبه خود تحت تحریک طبیعت و تدبیر نفس قرار گرفت و به اشکال کامل هندسی مانند دایره، مثلث و بالاخره مربع درآمد و صفا و تهذیب یافت و از آن قسمت که بیش‌تر صفا و پاکی داشت، فلک اعلی به‌وجود آمد و به آن عقل و فعل افروده شد» [۱۱].

اخوان‌الصفاء در رساله دوم^۲ خود به‌همین موضوع با بیانی دیگر پرداخته‌اند. آنان هندسه را به دو مقوله «هندسه محسوس» و «هندسه معقول» تقسیم کرده‌اند. هندسه محسوس را مدخلی بر صناعت و آفرینش عملی و هندسه معقول را در فکر و علم آفریننده می‌دانند و هر دو را راهی به‌سوی ادراک جوهر نفس و ذات اشیاء دانسته‌اند. در تعالیم اخوان‌الصفاء، نظر در هندسه محسوس به مهارت در پیشه‌ها و حرفه‌ها کمک می‌کند و نظر در هندسه معقول به شناخت خواص اعداد و اشکال و فهم کیفیات اشیاء کمک می‌کند [۱۲].

نقوش هندسی در اسلام و گره‌چینی ایرانی-اسلامی

شیوه تجریدی به‌کار رفته در نقوش هندسی گره‌چینی، مهم‌ترین ویژگی برجسته و مشترک در تمام هنرهای اسلامی است. مصالح به‌کار رفته در هنر اسلامی و ایدئولوژی حاکم بر این هنر، زیربنا و اساس این رویکرد تجریدی را شکل می‌دهد. باتوجه به سنت اسلامی، هر یک از ابعاد این فرهنگ باید به‌نحوی با دیدگاه توحیدی و آموزه‌های توحید اسلامی منطبق باشد. این آموزه، خدا را به‌مثابه ذاتی کاملاً متعالی در نظر دارد و هیچ جنبه یا بُعد حیات آدمی یا جهان مادی را نمی‌توان با او همانند پنداشت؛ همچنان که نمی‌توان او را به تصویر درآورد. این دیدگاه استعلایی در قرآن و سنت یا سیره پیامبر اسلام (ص) و نیز در متون فقهی هر دوره از تاریخ اسلامی یافت می‌شود. از این‌رو هنرمند مسلمان می‌کوشد شهودی از توحید و پیش‌فرض‌های آن را به‌شیوه تجریدی و از طریق نظم زیباشناختی شکل‌ها آشکار سازد [۱۳].

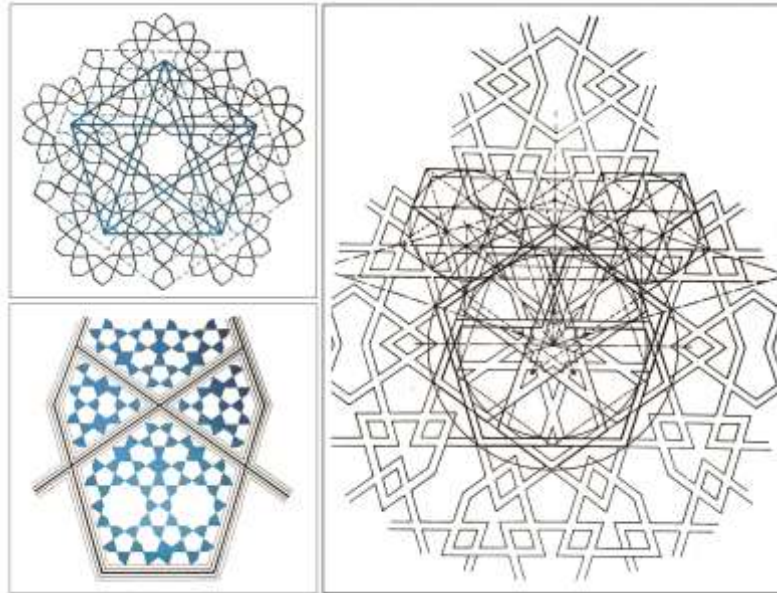
نقوش هندسی در گره‌چینی ایرانی-اسلامی چیزی جدا از علم هندسه و آموزه‌های توحیدی دین اسلام نیست. بیان تجریدی در این هنر چنان نقوش هندسی را به‌وجه‌ای غیرطبیعی و انتزاعی آراسته است که پیش از آنکه بازنمای موجودات مادی و زمینی باشد، اشاره به نظم و جوهر توحید در ساحت تخیل بصری دارند. ترکیب و درآمیختگی پیچیده و ظریف نقوش هندسی در هنر گره‌چینی اشاره به یکی دیگر از ویژگی‌های هنر اسلامی دارد. در طرح‌های اسلامی، تکثیر جزئیات منجر به حرکت و تکاپو در چشم مخاطب می‌شود. هر حرکت یا تغییر جهت در الگو، نگاه را به حوزه‌های جدیدی می‌راند تا رشته‌ای از تنش و رهایی را که دیدن الگو مستلزم آن است، در او ایجاد کند [همان]. این الگوی هنر اسلامی حامل پیچیدگی و استمرار است که هرگز پایان نمی‌پذیرد و با ترکیب کم‌وبیش ساده یا پیچیده آن، نقوش جدید پدیدار می‌شوند. در هنر گره‌چینی ایرانی-اسلامی با تکرار، ترکیب و درهم‌آمیختگی الگوی مادر-أم‌الگره یا پنج ضلعی منتظم-کل سطح منقوش ساخته می‌شود. چنانچه که صاحبان حرف عقیده دارند که گره‌سازی ۷۲ بطن دارد و از درون یکدیگر توانایی زایش و به‌وجود آمدن گره‌های نو را دارد [۱۴]. مخاطب همواره تا جایی که محدودیت فیزیکی در طرح به او اجازه بدهد، خطوط الگو را دنبال می‌کند و بعد از آن تصوراتش به او یاری می‌رساند. مخاطب هنر اسلامی در این فرآیند زیباشناختی به شهودی بی‌پایان دست می‌یابد.

^۱. برخی از منابع، اخوان‌الصفاء را «فیثاغورثیان مسلمان شده» می‌نامند.

^۲. اخوان‌الصفاء، دومین رساله خود را هندسه نامیدند: *الرساله الثانيه من القسم الرياضی الموسومه بجومطریا فی الهندسه و بیان ماهیتها*.

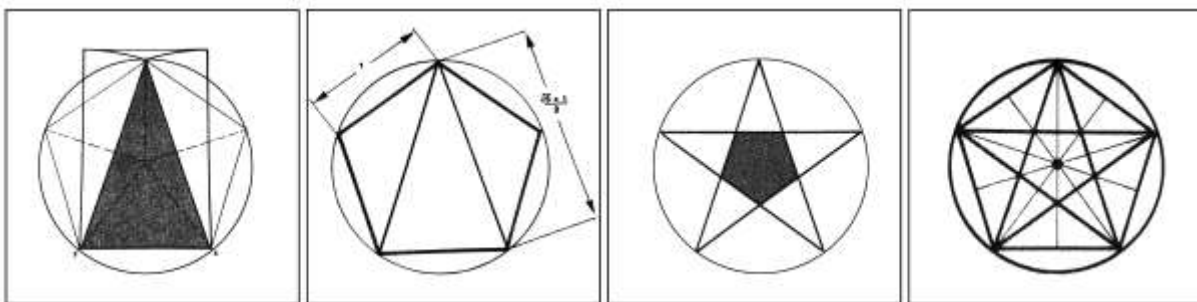
رموز هندسه کَمّی در پنج ضلعی

شکل ۱ نمونه‌هایی از چگونگی تکرار و گسترش اُم‌الگره یا پنج ضلعی منتظم در هنر گره‌چینی ایرانی-اسلامی و ایجاد نقوش و گره‌های جدید را نشان می‌دهد. برای آشنایی با چنین نقوش هماهنگی که سیمای قاب‌بندی‌های تزئینی منبرها، پنجره‌ها و درهای اسلامی را تشکیل می‌دهد به چند ویژگی کَمّی و عددی این نقش در گره‌چینی ایرانی-اسلامی اشاره می‌شود.



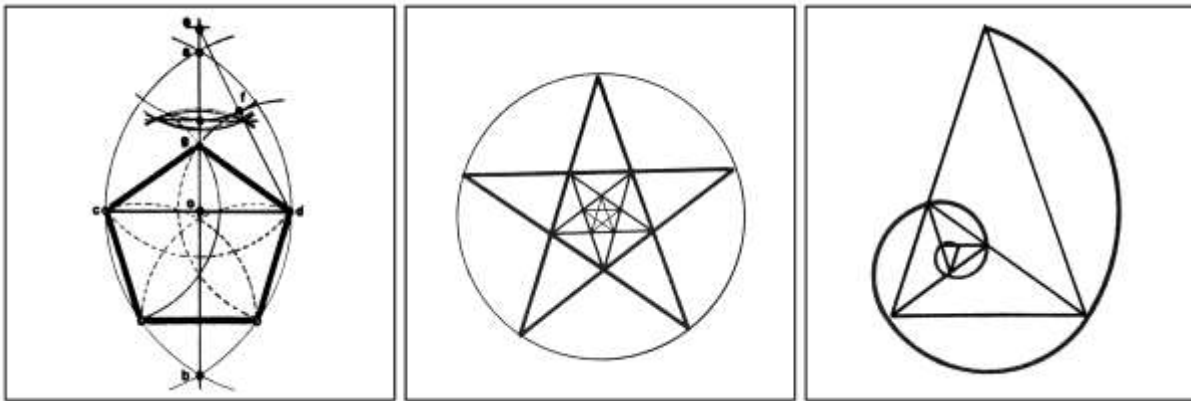
شکل ۱. نمونه‌هایی از اُم‌الگره یا پنج ضلعی منتظم در ساخت و گسترش نقوش هندسی گره‌چینی [۱۷].

در شکل ۲ با رسم قطرهای پنج ضلعی منتظم و از طریق تقارن پنج‌گانه در این شکل، عنصر جدیدی ظهور می‌کند که ستاره یا چند ضلعی ستاره‌ای است. در شکل ۳ ابتدایی‌ترین صورت تقسیم پنج‌تایی یک دایره و ستاره پنج پر درونی آن، که در داخلش یک پنج ضلعی دیگر قرار دارد را نشان می‌دهد. شکل ۴ روابط خاص بین ستاره پنج پر و چند ضلعی محاط در آن-پنج ضلعی-نشان داده شده است. در این شکل بین بازویی از ستاره و ضلع پنج ضلعی محیط بر آن تناسب طلایی وجود دارد. به عبارت دیگر اگر اندازه ضلع پنج ضلعی ۱ فرض شود، اندازه بازوی ستاره به نسبت طلایی $1/\phi$ است. شکل ۵ روشی را نشان می‌دهد که با چرخاندن دو بازوی همین ستاره پنج پر به ترتیب در نقاط X و Y و قرار دادن آن‌ها در حالت قائم، یک مستطیل بانسبت طلایی حاصل می‌شود.



از راست: شکل ۲. ایجاد ستاره پنج پر در پنج ضلعی منتظم؛ شکل ۳. ایجاد ستاره پنج پر و پنج ضلعی منتظم در دایره؛ شکل ۴. تناسب طلایی بین ستاره پنج پر و پنج ضلعی منتظم؛ شکل ۵. تناسب طلایی در ستاره پنج پر و تشکیل مستطیل طلایی [۱۷].

«نسبت طلایی»، «نسبت خدایی» و «نسبت لاهوتی»^۳ اسامی مختلفی است که در طول تاریخ به این نسبت داده شده است. این نسبت نه تنها خود را در پدیدار شدن منظم و به قاعده عالم نباتات نشان می‌دهد، بلکه در نسبت‌های تولیدمثل و زاد و ولد حیوانات و حشرات و جلوه‌های متنوع طبیعت نیز وجود دارد. از این رو در منابع کهن اسلامی از این نسبت به‌عنوان یکی از رموز خلقت و آفرینش یاد شده است که دقیقاً مصداق آیه شریفه «وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدْرَهُ تَقْدِيرًا»، (و آنرا آن‌گونه که باید(به‌دقت)، اندازه‌گیری کرد)، (فرقان/۲) [۱۵] است. به‌همین دلیل ناخودآگاه هر آنچه را که بر این اندازه‌ها استوار باشد، زیبا و متناسب می‌یابیم و در اثر هنری نیز این اندازه‌ها می‌توانند بهترین تأثیر و جذبه را بر مخاطب بگذارند [۱۶]. در شکل ۶ یکی دیگر از تناسب‌های طلایی مفروض در پنج ضلعی نمایش داده شده است. در این جا مثلث بین دو بازوی یک ستاره پنج پر انتخاب شده و مثلث دیگری از همین نوع را در قاعده این مثلث به‌گونه‌ای جا داده است که قاعده مثلث بزرگ‌تر به‌مثابه بازوی بزرگ مثلث کوچک‌تر باشد. این کاهش نظام‌مند در صورتی که در پنج مرحله تکرار شود، «منحنی طلایی» را ایجاد می‌کند. «مارپیچ لگاریتمی» یا «مارپیچ طلایی»، ارتباط نزدیکی با قوانین پدیدار شدن زیستی دارد. شکل ۷ نشان‌دهنده ویژگی خاص ستاره‌های پنج پر کوچک‌شونده‌ای است که محاط در دایره است و سلسله‌ای از نسبت‌ها و مارپیچ‌های بالقوه را تشکیل می‌دهد. شکل ۸ روش محاط کردن یک پنج ضلعی در درون یک جفت کمان یا بیضی بادامی (بیضی تیزه‌دار) ارائه شده است. دو دایره هم‌پوشان در هندسه کیفی، حکم رمز دو عالم هستی را دارند.



از راست: شکل ۶. ایجاد مارپیچ طلایی بین دو بازوی یک ستاره پنج پر؛ شکل ۷. نسبت‌ها و مارپیچ‌های بالقوه در ستاره‌های پنج پر کوچک‌شونده؛ شکل ۸. پنج ضلعی محاط شده در دو دایره هم‌پوشان [۱۷].

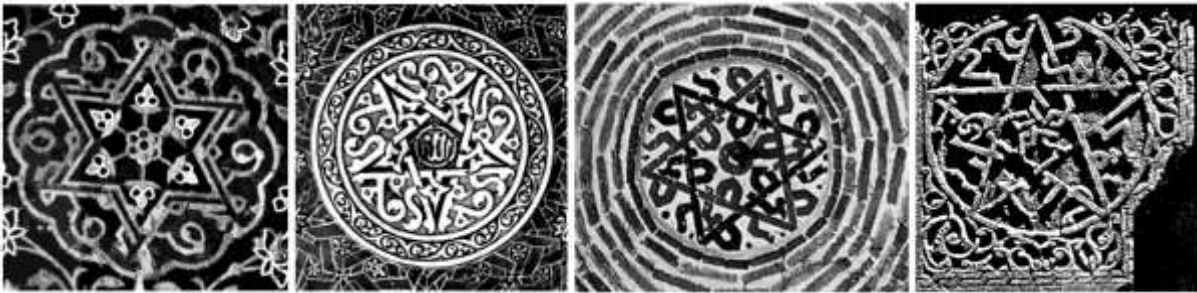
رموز هندسه کیفی در پنج ضلعی

آنچه در زمینه نقوش گره‌چینی هنر اسلامی اهمیت دارد، چگونگی نمایش رمزی مفاهیم و تفسیر این رمزگرایی است. به‌ذاته حقیقت را نمی‌توان به‌هیچ حد و حدودی مقید ساخت و آن را بدون تحریف در قالب مفاهیم و تصورات و صور درآورد، از این رو در هنر اسلامی برای بیان حقیقت از شیوه بیان رمزی و سمبلیک استفاده می‌شود تا به‌مدد آن بتوان باز نمودی دقیق و مؤثر از حقیقت علوی را در مرتبه سفلی ارائه کرد.

عدد پنج به‌خصوص آن‌گونه که در ستاره پنج پری که ایستاده بر روی دو پا نمایانده می‌شود، تداعی‌گر رمزی سنتی در ارتباط با انسان است. از دیدگاه الهی-اسلامی به‌طریق مختلفی می‌توان آن را به‌عنوان انسان به‌کمال رسیده‌ای تعبیر کرد که بر پنج حضرت الهی وقوف یافته است و این حضرات را در درون خود محقق ساخته است [۱۷]. ستاره پنج پر که از ترسیم خطوط قطری پنج ضلعی منتظم، در درون آن ایجاد می‌شود؛ هستی و وجود خود را از اُم‌الگره پنج ضلعی بدست می‌آورد و هستی و وجود آن وابسته به آن است. این ستاره پنج پر جهت تکامل خود همواره در حال طی طریق حضرات ختمه الهی یا مراتب پنج‌گانه الهی است. این حضرات پنج‌گانه در لسان اهل تصوف عبارتند از: اول، ناسوت یا قلمرو بشری و عالم جسمانی ماده؛ دوم، ملکوت یا قلمرو حکومت الهی که به‌طور کامل بر قلمرو بشری تسلط و اشراف دارد؛ سوم، جبروت یا قلمرو قدرت که در عالم کبیر آسمان و در عالم صغیر عقل مخلوق

^۳ . مصری‌های باستان به این نسبت «نسبت لاهوتی» می‌گفتند. اصطلاح «نسبت خدایی» از ویتروویوس (Vitruvius)، معمار ایتالیایی سده دوم میلادی برجامانده است. «نسبت طلایی» نامی است که در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم میلادی که طلا معیار سنجش قرار گرفت، اطلاق شد [۱۶]

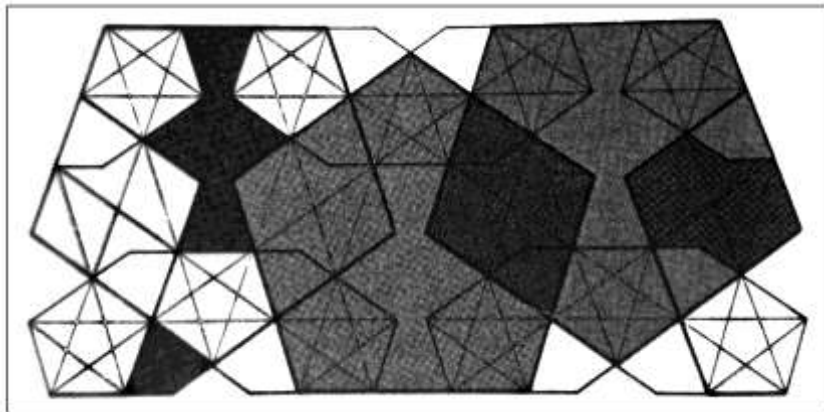
یا انسانی است؛ چهارم، لاهوت یا قلمرو الهی که هستی محض است و بر عقل نیافریده «لَمْ یُخْلَقْ» و «کَلِمَةُ اللَّهِ» منطبق است. مرتبه پنجم، هاهوت (گرفته شده از هو) است که به صورت‌های گوناگون «فی نفسه‌ای» یا «خودی» یا «ماهیت» نیز موسوم است. با طی طریق این حضرات خمسه، ستاره پنج پر را می‌توان نماد «انسان کامل» در جامع‌ترین معنای آن یا نمایان‌گر «انسانیت کامل» یک فرد بشری قلمداد کرد. از این‌رو هنر هندسی اسلامی بدین طریق صراحتی انحراف‌ناپذیر از مقارنت صورت و معنا را برگزیده است. عالی‌ترین نمود این موضوع در گره‌چینی‌هایی با نام ائمه و معصومین برگرد یک پنج ضلعی یا ستاره پنج پر است. این نقوش نشان از ارتباط درونی این افراد در مقام انسان کامل بشری با حضرات خمسه الهی است (تصویر ۱).



تصویر ۱. تکرار نام حضرت محمد (ص) گرد ستاره پنج پر. از راست: تربت ماما خاتون، طرخان، سلاجقه روم، حدود

۵۹۷هـ/ق ۱۱۸۹م.؛ مسجد جامع شهر ملاطیه، سلاجقه روم، ۶۴۵هـ/ق ۱۲۳۷م.؛ تزئینات گنبد سلطانیه، ایلخانیان مغول، سده هشتم هجری/چهاردهم میلادی؛ کاشی‌کاری‌های مسجد کبود تبریز، ترکمان، ۸۷۰هـ/ق ۱۴۶۲م. [۱۸].

این موضوع را می‌توان براساس اصل تقارن در بیست ضلعی افلاطونی به‌خوبی نشان داد. از طریق قرینه‌سازی و تکرار، نقش مایه واحد پنج ضلعی، به بیست ضلعی منتظم تبدیل می‌شود (شکل ۹). در اصول رمزی کندی و افلاطون، این شکل با آب مرتبط دانسته شده است و مصداق آیه قرآنی «... وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ...» (هر چیز را از آب زنده گردانیدیم...)، (انبیاء/۳۰) [۱۵] است. همان‌طور که تمام اشیاء و پدیده‌ها از آب خلق شده‌اند و به آن وابسته هستند، تمام گره‌ها در گره‌چینی ایرانی-اسلامی از پنج ضلعی ایجاد می‌شود و گسترش می‌یابد. از این‌رو باتوجه به این‌که این نقش، بخش اساسی و عمده تمام نقوش سنتی گره‌چینی است، از آن به‌عنوان نقش اصلی و زیربنایی حالات مختلف گره یا آم‌الگره یاد می‌شود.



شکل ۹. ایجاد بیست ضلعی منتظم از طریق قرینه‌سازی و تکرار نقش مایه واحد پنج ضلعی [۱۷].

نتیجه گیری

به طور کلی، رموز پنج ضلعی منتظم در هنر گرچه چینی ایرانی-اسلامی در دو بخش هندسه کمی و هندسه کیفی قابل بررسی است. هندسه کمی گرچه در رعایت اندازه‌های اشکال و نقوش و قوانین تناسبات اجزاء است و جنبه‌های کیفی آن در حضور وحدت میان آن‌ها و ارائه مفاهیم رمزی در اشکال هندسی است. در هندسه کمی، شاهد ظهور ستاره پنج پر از طریق تقارن پنج‌گانه این شکل هستیم. تناسبات طلایی یا تناسبات خدایی و مارپیچ طلایی در روابط بین پنج ضلعی و ستاره پنج پر و زوایای درونی و بیرونی ستاره پنج پر در حالات مختلف مشهود است. این نسبت شگفت‌انگیز که در پدیدار شدن منظم و به‌قاعده عالم نباتات و تولیدمثل و زاد و ولد حیوانات و حشرات وجود دارد، عیناً در هندسه کمی پنج ضلعی منتظم در گرچه چینی ایرانی-اسلامی نیز وجود دارد. بهره‌گیری از هندسه کیفی برای بیان رمزی مفاهیم در ارتباط با انسان اهمیت زیادی دارد. پنج ضلعی به کار رفته در هنر گرچه چینی ایرانی-اسلامی را می‌توان به‌عنوان انسان به‌کمال رسیده‌ای تعبیر کرد که بر پنج حضرت الهی وقوف یافته است. او همواره در حال طی طریق حضرات خمس الهی است تا این حضرات در درون او محقق شود. عالی‌ترین نمود این موضوع در گرچه چینی‌هایی با نام ائمه و معصومین برگرد یک پنج ضلعی یا ستاره پنج پر است که نشان از ارتباط درونی این افراد در مقام انسان کامل بشری با حضرات خمس الهی است. این موضوع براساس اصل تقارن در بیست ضلعی افلاطونی نیز نمود یافته است. زیرا در اصول رمزی یونانی و اسلامی، این شکل با آب مرتبط است و همان‌طور که تمام اشیاء و پدیده‌ها از آب خلق شده‌اند و به آن وابسته هستند؛ تمام گرچه‌ها در گرچه چینی ایرانی-اسلامی از پنج ضلعی منتظم یا آم‌الگره ایجاد می‌شوند.

منابع و مراجع

۱. زمرشیدی، ح. ، گرچه چینی در معماری اسلامی و هنرهای دستی، چاپ اول، انتشارات نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵.
۲. رئیس‌زاده، م. و مفید، ح. ، احیای هنرهای از یادرفته: مبانی معماری سنتی در ایران به روایت استاد حسین کرزاده، چاپ اول، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۷۴.
۳. شایسته‌فر، م. و سدره‌نشین، ف. ، "تطبیق نقوش تزئینی معماری دوره تیموری در آثار کمال‌الدین بهزاد با تأکید بر نگاره‌های بر در مسجد"، مجله نگره، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۲.
۴. تهرانی، م. ، "معرفی نورگیرهای گرچه چینی در معماری سنتی ایران"، مجله رشد آموزش هنر، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۶.
۵. کیان‌مهر، ق. و خزائی، م. ، "مفاهیم و بیان عددی در هنر گرچه چینی صفوی"، مجله کتاب ماه هنر، شماره ۹۱ و ۹۲، بهار ۱۳۸۵.
۶. فلاحی، ق. و لؤلؤیی، ک. ، "تعاملات علمی جهان اسلام و غرب در قرون اولیه هجری"، مجله تاریخ، شماره ۱۱، ۱۳۸۷.
۷. کاتری، د. تاریخ فلسفه یونان: فیثاغورث و فیثاغورثیان، چاپ اول، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵.
۸. سارتون، ج. ، تاریخ علم: علم قدیم تا پایان دوره طلایی یونان، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷.
۹. نصر، ح. ، علم و تمدن در اسلام، چاپ اول، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۵۹.
۱۰. افلاطون، جمهوری، چاپ سوم، انتشارات گلشن، تهران: ۱۳۶۷.
۱۱. نصر، ح. ، نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، چاپ چهارم، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۷۷.
۱۲. بلخاری، ح. ، هندسه خیال و زیبایی: پژوهشی در آرای اخوان‌الصفاء درباره حکمت هنر و زیبایی، چاپ اول، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۸.
۱۳. الفاروقی، ل. ، "چشم‌انداز اسلامی نمادگرایی در هنر: اندیشه‌هایی در بازنمایی شکل"، مجله زیباشناخت، شماره ۱۳، فصل زمستان، ۱۳۸۴.
۱۴. شعریاف، ا. ، گرہ و کاربندی، چاپ اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲.
۱۵. قرآن الکریم.
۱۶. آیت‌اللهی، ح. ، مبانی نظری هنرهای تجسمی، چاپ ششم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۵.
۱۷. کریچلو، ک. ، تحلیل مضامین جهان‌شناختی نقوش اسلامی، چاپ اول، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۹۰.
۱۸. خزائی، م. ، "شمسه: نقش حضرت محمد (ص) در هنر اسلامی ایران"، مجله کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۰، فصل تابستان، ۱۳۸۷.